

تحریر ایلامی

کتیبه داریوش بزرگ در بیستون

سلمان علی یاری بابلقانی



تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون

پیش گفتار، دستور ایلامی هخامنشی، حرف نویسی، ترجمه،

مقابله با تحریرهای دیگر، یادداشت‌ها و واژه‌نامه

سلمان علی‌یاری باالقانی

حروف چینی، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشر مرکز

طرح جلد: سمید زاشکانی

عکس روی جلد: امین میرزانی (بخشی از کتیبه ایلامی بیستون)

© نشر مرکز چاپ اول ۱۳۹۴، شماره‌ی نشر ۱۱۶۱، ۸۰۰ نسخه، چاپ جاری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۲۷۲-۰

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashre-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله:

فوتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز

قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سروش‌نامه: علی‌یاری باالقانی، سلمان، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون: پیش گفتار، دستور ایلامی هخامنشی، حرف نویسی،

ترجمه، مقابله با تحریرهای دیگر، یادداشت‌ها و واژه‌نامه / سلمان علی‌یاری باالقانی

مشخصات ظاهری: دوازده، ۲۴۸ ص.

یادداشت: واژه‌نامه، کتابنامه

عنوان دیگر: پیش گفتار، دستور ایلامی هخامنشی، حرف نویسی، ترجمه، مقابله با تحریرهای دیگر، یادداشت‌ها و واژه‌نامه.

موضوع: زبان ایلامی: زبان ایلامی -- دستور: کتیبه بیستون

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ / ۱۲ P۹۴۳

رده‌بندی دیویی: ۴۹۹/۹۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۰۷۱۷۵

فهرست

۱	سپاسگزاری
۳	سخنی با مخاطب
۱۱	کوتاه‌نوشت‌ها
۱۵	نشانه‌ها
۱۷	برابر انگلیسی اصطلاحات فنی
	پیش‌گفتار
۲۰	یادمان بیستون، پیشینه پژوهش و روش کار
۲۰	جغرافیای کوه بیستون
۲۰	کوه بیستون
۲۱	نگاره/نقش برجسته‌های بیستون
۲۲	کتیبه بیستون
۲۴	خرده‌کتیبه‌ها
۲۵	محتوای کتیبه بیستون
۲۷	مراحل ساخت یادمان بیستون
۲۸	ویژگی تحریرها
۲۸	ویژگی‌های تحریر ایلامی
۲۹	بنیان تحریر ایلامی
۳۰	پیشینه پژوهش
۳۱	تحریر فارسی باستان
۳۲	تحریر بابلی

هشت تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون

۳۲	تحریر آرامی
۳۲	تحریر ایلامی
۳۳	روش کار
۳۳	دستور زبان
۳۳	حرفنویسی
۳۵	آوانویسی
۳۵	ترجمه
۳۶	مقایسه با تحریرهای فارسی باستان، بابلی و آرامی
۳۸	نام‌های خاص
۳۹	یادداشت‌ها
۴۰	واژه‌نامه

بخش یکم

۴۴	دستور زبان ایلامی هخامنشی
۴۴	۱. درآمد
۴۴	۱.۱. ایلام
۴۵	۱.۲. خط‌های زبان ایلامی
۴۷	۱.۳. دوره‌های زبان ایلامی
۴۹	۱.۴. تبارشناسی زبان ایلامی
۴۹	۲. آواشناسی
۵۰	۲.۱. همخوان‌ها
۵۲	۲.۲. واکه‌ها
۵۳	۲.۳. تکیه
۵۳	۳. صرف
۵۴	۳.۱. اسم
۵۷	۳.۲. حالت
۵۷	۳.۳. صفت
۵۸	۳.۴. ضمیر
۶۷	۳.۵. فعل
۸۳	۳.۶. قید

۳.۷. عدد	۸۴
۳.۸. حرف ندا	۸۵
۴. نحو	۸۵
۴.۱. آرایش واژگانی و رده‌شناسی	۸۶
۴.۲. مطابقه	۸۷
۴.۳. مطابقه برای اسم‌های خویشاوندی	۸۹
۴.۴. شمار	۹۰
۴.۵. حروف اضافه پسایند و پیشایند	۹۰
۴.۶. ضمیر بازگشتی	۹۳
۴.۷. ادات نفی و نهی	۹۵
۴.۸. حرف ربط	۹۵
۴.۹. بند/جمله پیرو	۹۶
۴.۱۰. نقل قول مستقیم	۹۸

بخش دوم

حرف‌نویسی، ترجمه و اختلاف تحریرها	۱۰۲
ستون نخست	۱۰۲
درآمد	

تبارنامه و القاب (بند ۱-۲)

مشروعیت زمینی پادشاهی (بند ۳-۴)

مشروعیت آسمانی پادشاهی (بند ۵)

مردمان/سرزمین‌های فرمانبردار (بند ۶-۷)

سیاست و خوی شاهانه (بند ۸)

مشروعیت آسمانی پادشاهی (بند ۹)

شرح وقایع

ماجرای کمبوجیه پسر کورش، برادرش پردیه و شورش گوماته مغ (= پردیه

دروغین) (بند ۱۰-۱۳)

بازیس‌گرفتن پادشاهی و بازگرداندن آن به سامان پیش از گوماته (۱۳-۱۵)

شورش «آشینة» ایلامی در ایلام و «ئدیتبیل» بابلی در بابل و سرکوب

ایشان (بند ۱۶-۲۰)

۱۱۴ **ستون دوم**

مردمانی که در غیاب داریوش، هنگامی که در بابل است، بروی می‌شورند (بند ۲۱)
 شورش «مَرتیه» پارسی در ایلام و سرکوب او (بند ۲۲-۲۳)
 شورش «پُرورتیش» مادی در ماد و سرکوب او (بند ۲۴-۲۵)
 شورش چندبارهٔ آرمینان و سرکوب ایشان (بند ۲۶-۳۰)
 بازتاختن پُرورتیش مادی برابر داریوش در ماد و شکست او (بند ۳۱-۳۲)
 شورش «زیشننکمه» آسگرتی و سرکوب او (بند ۳۳-۳۴)
 شورش پارتیان و گرگانیان پیرو پُرورتیش و سرکوب ایشان (بند ۳۵-۳۷)
 شورش مرویان به سرکردگی «پراده» مروی و سرکوب ایشان (بند ۳۸-۳۹)

۱۲۵ **ستون سوم**

شورش «وَنشداته» پارسی، در پارس و پیروان او در رنج و سرکوب ایشان (بند ۴۰-۴۸)
 شورش دوبارهٔ بابلیان به سرکردگی «آزکَه» آرمنی و سرکوب ایشان (بند ۴۹-۵۱)

فرد

بازشمردن نام، تبار و دروغ نه شاه دروغین (بند ۵۲-۵۳)
 دروغ علت همهٔ شورش‌ها (بند ۵۴)
 اندرز به شاه آینده (بند ۵۵)
 فراخواندن آیندگان به باور کتیبه و فاش کردن آن (بند ۵۶-۶۱)
 انجام همهٔ شاهکارها در یک سال و به کوشش آورده‌مردا (بند ۶۲)
 دادگری و راستی داریوش یاری خدایان را برای او همراه آورده است (بند ۶۳)
 اندرز دوباره به شاه آینده (بند ۶۴)
 فراخواندن آیندگان به پادن کتیبه و پیکرها (بند ۶۵-۶۷)
 هم‌پیمانان و یاران داریوش در سرکوب گوماته (بند ۶۸-۶۹)

۱۴۱ **DBL**

افزودن تحریر فارسی باستان و فرستادن متن کتیبه میان مردمان (بند ۷۰)

۱۴۱ **خرده کتیبه‌ها**

تبارنامه و القاب (a)
 برشمردن نام، تبار و دروغ هر شاه دروغین (معرفی پیکرها) (b-k)

بخش سوم

یادداشت‌ها ۱۴۶

بخش چهارم

واژه‌نامه ۲۱۰

بخش پنجم

فهرست منابع ۲۴۶

چکیده ۲۶۱

Abstract ۲۶۲

www.ketab.ir

سخنی با مخاطب

این یادداشت آغازین به پیشنهاد نشر مرکز و تنها برای ارتباط بیشتر و آسان‌تر مخاطبان عام با کتاب نوشته شده است. منظور از مخاطب عام آن دسته از خوانندگانی است که با زبان ایلامی و دنیای زبان‌های باستانی و خاموش‌آشنایی ندارند و پژوهشگر یا دانشجو در میدان زبان، فرهنگ، تاریخ و دین مردمان روزگار باستان نیستند و مطالب کتاب و شیوه بیان آن برای ایشان بیگانه و گنگ است، اما علاقه‌مند و خواننده مطالب مربوط به روزگار کهن، به‌ویژه تاریخ و فرهنگ ایران باستان، اند. نگارنده در این یادداشت، که طبعاً از حساسیت‌های متن اصلی فارغ است می‌کوشد تا زمینه استفاده بیشتر مخاطب را از این متن فراهم کند.

بستر و بنیان پادشاهی هخامنشی

ایلامیان بومیان متمدن سرزمین امروز ایران، پیش از آمدن اقوام آریایی به این سرزمین، بوده‌اند. نمی‌دانیم ایشان از چه زمانی در ایران امروز می‌زیسته‌اند اما کهن‌ترین متن‌هایی^۱ که از ایشان به‌جای مانده مربوط به حدود ۵۲۰۰ سال پیش است. مرزهای دقیق ایلام/عیلام نیز دانسته نیست و در زمان‌های مختلف یکسان نبوده است، اما بیش‌تر متون ایلامی از جنوب و جنوب غرب ایران به‌دست آمده است و دودمان‌های پادشاهی ایلام از سرزمینی در حدود

۱. کهن‌ترین متن‌های ایلامی به خط موسوم به «ایلامی آغازی» نوشته شده‌اند و گل‌نوشته‌هایی‌اند که ورود و خروج کالا را ثبت کرده‌اند.

فارس تا خوزستان و جنوب لرستان امروز برمی‌خیزند که میهن اصلی ایلامیان است، اما مرزهای سیاسی - فرهنگی ایلام سرزمینی فراخ‌تر است و در حدود ۴۲۰۰ سال پیش از حدود افغانستان تا ایران، و حتی کمی فراتر از مرزهای غربی ایران، گسترده بوده است. زبان ایلامی، که با هیچ زبان زنده یا خاموش دیگر هم‌خانواده و مرتبط نیست، احتمالاً تا اوایل دوره ساسانی (حدود ۱۷۰۰ سال پیش) هنوز در جنوب ایران زنده بوده است، اما پس از دوره هخامنشی (حدود ۲۳۰۰ سال پیش) دیگر اهمیت سیاسی خود را از دست داده و متنی بدان نوشته نمی‌شود (دست‌کم متنی در دست نیست) و رفته‌رفته به‌سود زبان‌های آریایی (احتمالاً زبان‌های رایج در جنوب و جنوب غربی ایران) از میان می‌رود.

تاریخ آغاز کوچ اقوام آریایی به ایران امروز بحث‌انگیز است، اما می‌دانیم که این کوچ بزرگ، تدریجی و در زمانی دراز رخ داده است و، هرزمان که آغاز شده بوده است، در حدود ۳۰۰۰ سال پیش، دست‌کم در غرب و جنوب غربی ایران، کاملاً مستقر بوده‌اند و بیگانه و تازه‌وارد به‌شمار نمی‌آمده‌اند. جالب این‌جاست که نشانه‌ای از ستیز میان دو قوم آریایی و ایلامی، که حتی زبان یکدیگر را نمی‌دانسته‌اند، نیست و ظاهراً ایشان بسیار صلح‌آمیزتر از آن‌که می‌توان از شرایط انتظار داشت با یکدیگر درمی‌آمیزند؛ این یکی شدن در غرب و جنوب غربی ایران چنان است که متنی ایلامی از حدود ۳۰۰۰ سال پیش به ما نشان می‌دهد که فرزندان یک خانواده نجیب‌زاده ایلامی هم نام ایلامی داشته‌اند و هم نام آریایی.

هخامنشیان، به‌عنوان شاخه‌ای از قوم پارس که خود از اقوام آریایی کوچیده به ایران بوده‌اند، پروده چنین محیطی‌اند و پادشاهی بزرگ ایشان نیز بر بستر سیاسی فرهنگی تمدن ایلام شکل می‌گیرد؛ کورش بزرگ، مانند شاهان ایلام، خود را «شاه شوش و آشن» می‌خواند، گل‌نوشته‌های دیوان داریوش بزرگ (حدود ۲۵۰۰ سال پیش)، برای ثبت ورود و خروج کالا و پرداخت دستمزدها و ... به زبان ایلامی نوشته می‌شود و معمولاً یک تحریر از کتیبه‌های (معمولاً سه‌زبانه) او و جانشینانش به زبان ایلامی است.

نگاره‌ها و کتیبه‌های بیستون و تحریر ایلامی آن

یادمان بیستون به فرمان داریوش بزرگ، حدود ۲۵۳۵ سال پیش، بر پیکره کوه

بیستون، در نزدیکی کرمانشاه، در بالای یک فروزفتگی تنگه‌مانند و در ارتفاع ۶۶ متری نگاشته شده است. این یادمان شامل نگاره‌هایی است در وسط و کتیبه‌هایی که زیر نگاره‌ها (به فارسی باستان و ایلامی) و سوی چپ نگاره‌ها (به بابلی) و خرده‌کتیبه‌هایی که بالای سر و زیر پای هر نگاره (در معرفی نام و تبار آن شورشی / شاه دروغین) نگاشته شده‌اند. نگاره‌ها داریوش را نشان می‌دهد در حالی که یک کمان‌دار و یک نیزه‌دار (از هم‌پیمانان داریوش) پشت سر او، نه شاه دروغین (دست‌بسته و پیوسته به هم با ریسمانی در گردن) روبه‌روی او، گوماته مغ (به‌عنوان شورشی / شاه دروغین اصلی) زیر پای و آهوره‌مзда (تصویر انسان بالدار) بالای سر او و دیگر نگاره قرار دارد (برای تصور بهتر بنگرید به تصویر ۲ و ۳ در پیش‌گفتار).

در آغاز فقط نگاره‌ها و خرده‌کتیبه‌ها نگاشته می‌شوند و متن کتیبه اصلی، تنها به زبان ایلامی و خط میخی ایلامی، در سوی راست نگاره‌ها نگاشته می‌شود. اما شاه دروغین دیگری شورش می‌کند و برای نقش کردن او، پشت سر دیگر شورشیان، ناچار بخشی از کتیبه مذکور را می‌تراشند^۱ و احتمالاً در همین مرحله، چون ناچار می‌شوند کتیبه آسیب‌دیده را در جای دیگری بنگارند، تصمیم گرفته می‌شود که یک تحریر بابلی و یک تحریر فارسی باستان^۲ هم از متن آن نگاشته شود.

محتوای کتیبه بیستون

کتیبه بیستون شرح نبردهای داریوش در سرکوب شاهان دروغین، در سال نخست پادشاهی او است. این نبردها از زبان خود داریوش، به ترتیب تاریخی و در الگویی مشخص روایت می‌شود که در آن، زمان و مکان نبرد و نام و تبار شاه دروغین و نام و تبار سرداری که داریوش به نبرد او می‌فرستد، ذکر می‌شود.

۱. این کتیبه که امروز جز چند واژه آن خوانده نمی‌شود و در سوی راست نگاره‌ها است، به تحریر نخست ایلامی معروف است و آن‌چه امروز خوانا است و در این کتاب خوانده شده است، در زیر نگاره‌ها و سوی چپ تحریر فارسی باستان قرار دارد و به تحریر ایلامی دوم معروف است.
۲. پیش از این زبان فارسی باستان مکتوب نشده است. پس داریوش فرمان ابداع خطی می‌دهد تا سخن او به زبان مادری‌اش نیز نوشته شود. این خط در استفاده از شکل‌های میخ‌مانند شبیه به خط میخی میان‌رودانی است، اما نشانه‌های آن کاملاً متفاوت است و برخلاف خط میخی سنتی (میخی میان‌رودانی، ایلامی و ...)، خط میخی فارسی باستان خطی الفبایی (با چند نشانه هجانگار و واژه‌نگار) است و در نتیجه بسیار ساده‌تر و دقیق‌تر بوده و تعداد نشانه‌های آن بسیار کمتر است. کار رمزگشایی خط‌های میخی (در ۱۵۰ سال پیش) هم برپایه رمزگشایی همین خط میخی فارسی باستان، که ساده‌تر است، ممکن می‌شود.

و گاه جزئیاتی مانند چگونگی شکنجه شدن شاه دروغین، چگونگی گذر از رود و... نیز افزوده می‌شود. آهوره‌مزدا در همه نبردها یاور داریوش و دروغ، چون نیرویی اهریمنی، فریبنده شاه دروغین و پیروانش و آشوبنده سرزمین/مردم معرفی می‌شود.

پیکره اصلی متن (یعنی شرح نبردها) در میان یک درآمد/آغاز و فرود/پایان جای گرفته است. درآمد شرح تبار داریوش، شاه بودن نیاکانش (بند ۱ تا ۴)، هم‌تباری وی با کمبوجیه و کورش (بند ۱۰) و بخشیدن آهوره‌مزدا پادشاهی را به داریوش (بندهای ۵ و ۹) است. نیز ماجرای گوماته مغ و چگونگی به قدرت رسیدن و سرکوب شدن او (بند ۱۰ تا ۱۴) و فهرست ۲۳ سرزمین/قوم پادشاهی و فرمانبرداری آن‌ها از شاه (بند ۶ تا ۸) در آغاز کتیبه ذکر شده است. فرود متن این موارد را شامل می‌شود: فهرست نه شاه دروغین (بند ۵۲ تا ۵۴)؛ اندرز به شاه آینده در پرهیز از دروغ و دروغ‌زن و بیدادگر/متعدی (بند ۵۵ و ۶۴)؛ سوگند خوردن به راست بودن کتیبه و امر/دعوت خواننده آینده به باور داشتن، پنهان نکردن و پاس داشتن کتیبه (بند ۵۶ تا ۶۱ و ۶۵ تا ۶۷)؛ برشمردن خوی نیک خود، یعنی داریوش، که باعث جلب حمایت آهوره‌مزدا شده است (بند ۶۲ و ۶۳)؛ برشمردن نام و تبار هم‌پیمانانش در سرکوب گوماته مغ و خواستن از شاه آینده پادن تبار این مردان را (بند ۶۸ و ۶۹)؛ شرح نگاشته شدن تحریر فارسی باستان، که پیش‌تر نبوده، و نوشته شدن و خوانده شدن کتیبه پیش داریوش و فرستاده شدن آن میان سرزمین‌ها/مردم شاهنشاهی (بند ۷۰)!

تحریر ایلامی

چنان‌که گفته شد، این کتیبه به سه زبان (ایلامی، بابلی و فارسی باستان)، و البته سه گونه از خط میخی، نوشته شده است. کتاب حاضر بررسی تحریر ایلامی آن است و بخش‌های زیر را شامل می‌شود:

پیشگفتار: یادمان بیستون: این بخش در مورد یادمان بیستون (نگاره‌ها و کتیبه‌های آن) است و برخی مطالب آن، با آنچه در این یادداشت آمده، مشترک است. جز

۱. بعداً، در تحریر فارسی باستان (ستون پنجم)، بیوستی در شرح سرکوب شورش دوباره ایلامیان و شورش سکه‌های تیز خود، در سال دوم و سوم پادشاهی داریوش، نیز افزوده شده است.

برخی بحث‌های زبانی، باقی این بخش دریافتنی خواهد بود و خواندن آن، پس از خواندن یادداشت حاضر، به مخاطب عام توصیه می‌شود.

بخش یکم: دستور ایلامی هخامنشی: این بخش به دستور زبان ایلامی هخامنشی و بحث‌های زبانی مرتبط با آن می‌پردازد و خواندن آن، برای غیراهل فن، می‌تواند دشوار و ملال‌انگیز باشد، لذا خواندن آن به مخاطب عام پیشنهاد نمی‌شود، مگر بخش ۱ آن (بخش درآمد شامل: ۱.۱. ایلام؛ ۱.۲. خط‌های زبان ایلامی؛ ۱.۳. دوره‌های زبان ایلامی و ۱.۴. تبارشناسی زبان ایلامی) که به‌طور کلی دریافتنی است و خواندن آن به مخاطب عام توصیه می‌شود.

بخش دوم: حرف‌نویسی، ترجمه و اختلاف تحریرها: متن تحریر ایلامی، از روی عکس برداری و تصویربرداری‌های خاص این کار از کتیبه و نیز به‌کمک پژوهش‌های پیشین، خوانده شده و به خط لاتین (با نشانه‌های ویژه که میان ایلام‌پژوهان جهان به‌طور کلی پذیرفته و مشترک است) بازنویسی (= حرف‌نویسی) شده است و به فارسی، به‌صورتی تقریباً لفظی و نزدیک به متن، ترجمه شده است. اختلاف‌های، معمولاً جزئی، این تحریر با تحریرهای دیگر و صورت فارسی باستان نام‌های خاص (شامل نام اشخاص، اقوام و مکان‌ها) نیز، در پانویس ترجمه، ذکر شده است. خواندن بخش ترجمه، که در واقع پیکره اصلی کار است، به مخاطب عام نیز توصیه می‌شود.

بخش سوم: یادداشت‌ها: این بخش به بحث در قسمت‌های دشوارتر و بحث‌انگیز کتیبه و دلایلی که نگارنده برای حرف‌نویسی و ترجمه‌ای که آورده است، می‌پردازد. بیش‌تر یادداشت‌ها بحث‌هایی زبانی است و خواندن آن، برای غیراهل فن، می‌تواند دشوار و ملال‌انگیز باشد. خواندن این دست یادداشت‌ها به مخاطب عام پیشنهاد نمی‌شود، اما برخی یادداشت‌ها، تقریباً یا تحقیقاً، در مورد مسائل تاریخی و فرهنگی‌ای است که در کتیبه بدان اشاره شده است (مانند یادداشت مربوط به راست یا دروغ بودن ادعای داریوش در هم‌تباری‌اش با کورش و دروغین بودن بردیه و یادداشت در مورد دین هخامنشی)، این دست یادداشت‌ها برای خواننده عام، کم و بیش دریافتنی است و خواندن آن بدو توصیه می‌شود.

بخش چهارم: واژه‌نامه: این بخش واژه‌نامه بسامدی متن کتیبه است و قاعدتاً

نمی‌باید برای مخاطب عام جذاب و سودمند باشد، اما اگر در مورد واژه‌های این زبان کنجکاو باشد می‌تواند، با در نظر داشتن نکات زیر، به آن مراجعه کند.

ایلامیان از حدود ۴۵۰۰ سال پیش، برای نوشتن متن‌هایشان به زبان ایلامی، از خط میخی، که اصل میانرودانی دارد، استفاده می‌کرده‌اند و، در همین هزاره، دو خط بومی خود را کنار گذاشته و تنها به خط میخی می‌نویسند (بنگرید به بخش یکم: دستور زبان ایلامی هخامنشی: ۱.۲. خط‌های زبان ایلامی). خط مذکور دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است که، برای خواندن واژه‌نامه، دانستن آن ضروری است:

- این خط از چپ به راست نوشته می‌شود و هجانگار است؛ یعنی یک نشانه میخی برای یک هجا به کار می‌رود (مانند **𐎶𐎵** برای هجای ad). پس خط تیره‌هایی، که در حرف‌نویسی یک واژه به کار رفته، نشانه‌های مستقل را از هم جدا می‌کند. یعنی مثلاً واژه «**āš**: رمه، گله» کلاً با یک نشانه میخی نوشته شده است و «**pa-ri-ia**: رفتم» با سه نشانه میخی.

- نشانه‌هایی که به صورت زیر نوشت، معمولاً در آغاز واژه آمده است، «سرده‌نشان» خوانده می‌شود و جزء خود واژه نیست و صرفاً نشانه خطی است که بنابر تعلق واژه به گروهی خاص (مثلاً نام انسان، اسم مکان، ابزار چوبی، نام ایزد و ...) یکی از این سرده‌نشان‌ها را گرفته است. مثلاً واژه «**kur-taš^{Dis}**: چاکر، خدمت‌کار» **kurtaš** خوانده می‌شود و **Dis** جزء خود واژه نیست و ارتباط واژه با «انسان» را نشان می‌دهد.

- بهتر است در خواندن واژه‌ها، در محل تلاقی دو نشانه، آوای پایانی نشانه اول بر آوای آغازین نشانه دوم ترجیح داده شود و مشددنویسی‌ها نیز نامشدد خوانده شود. مثلاً «**Dis-taš-su-īp**: گروه، خیل» را باید **tašup** تلفظ کرد و نه **taššup** یا مانند آن.

- برخی واژه‌ها به سومری نوشته می‌شده‌اند اما به ایلامی خوانده می‌شده‌اند (این دست واژه‌ها را هزوارش می‌خوانیم). هزوارش‌ها معمولاً تنها با یک نشانه نوشته می‌شوند و در حرف‌نویسی با حروف درشت لاتین نوشته می‌شوند. مانند «**DUMU**: پسر» که می‌دانیم در ایلامی **šak** بوده است و این‌طور خوانده می‌شده است، اما گاه نمی‌دانیم برابر ایلامی هزوارش چه بوده و تنها از معنی

آن آگاه ایم. در صورت مشخص بودن واژه ایلامی (و در واقع تلفظ آن واژه که هزوارشی نوشته شده است) در واژه نامه ذکر می شود.

- در ایلامی تمایزی میان g با k؛ d با t و b با p نیست. لذا مثلاً واژه tašup که بالاتر مثال زده شد، شاید dašub یا tašub یا dašup تلفظ می شده است. همین قدر می دانیم که این تفاوت تلفظها برای ایلامیان تمایز معنایی ایجاد نمی کرده است. - ممکن است برای یک هجا، بیش از یک نشانه داشته باشیم. در این صورت نشانه دوم و سوم با علامت هایی مانند نشانه تکیه (یک خط تیره کج بالای نشانه) و نشانه های چهارم به بعد (که همگی برای یک هجای واحد به کار می رفته اند) با عددی زیر نشانه، مشخص می شوند. پس نشانه u و u هر دو ارزش یکسان «u» و نشانه ka و ka هر دو ارزش یکسان «ka» دارند، اما شکل نشانه ها در خط میخی متفاوت است.

- حرف ð، که احتمالاً برای مخاطب عام نا آشنا است، برای نشان دادن آوای «ش» به کار می رود.

کوتاه نوشتها

زبانها

Av: Avestan
Ar: Aramaic (Achaemenid)
Bab: Babylonian (Achaemenid)
El: Elamite
OIn: Old Indian (Vedic and Sanskrit)
OIr: Old Iranian
OP: Old Persian (Achaemenid/Official)
OPd: Old Persian dialect
OParth: Old Parthian
Med: Median
MP: Middle Persian
n: Non-Iranian
NP: New Persian

متن ها (کتیبه و گل نوشته)

DB: Darius Bisotun/Bēsetūn
DBa; DBb; DBc; DBd; DBe; DBf; DBg; DBh; DBi; DBj; DBk: Darius Minor Bisotun a-k
DBL: Darius Bisotun L/70
DNa; DNb; DNC: Darius Naqš-e Rostam a-c
DPh: Darius Persepolis h
DSi; DSj; DSf: Darius Susa i, j & f
XPa; XPh: Xerxes Persepolis a & h
Fort: Unpublished Elamite Fortification Tablets (signature)
PF: Persepolis Fortification (Elamite Texts, Published by R. Hallock 1969).
PFa: Persepolis Fortification a (Elamite Texts, Published by R. Hallock 1978).
PFNN: Persepolis Fortification NN (Unpublished Elamite Texts, numbered and translated by R. Hallock)

PT: Persepolis Treasury (Elamite Texts, Published by G. Cameron 1948)

Š-I: Šilhak-Inšušinak

حالت‌های صرفی برای نام در زبان‌های ایرانی باستان

asm: accusative singular masculine

apm: accusative plural masculine

gpm: genitive singular masculine

lpf: locative plural feminine

npf: nominative plural feminine

کوتاه‌نوشت‌های درون کمان (برای ارجاع)

(G.H.M 1993): Grillot-Susini, F., C. Herrenschmidt, & F. Malbran-Labat. 1993

n: note/footnote

no: number

پ: پانوش

قس: مقایسه کنید با

مقوله‌های دستوری

C: consonant

V: vowel

ا: اسم

اخ: اسم خاص

ام: اسم مکان/جای نام

امه: اسم ماه

ادنق: ادات نفی

ادنق: ادات نقل قول

ادنه: ادات نهی

بج: بی جان

ح: حرف اضافه پسایند یا پیشایند

حز: حرف ربط

ج: جاندار

(جم): جمع (۱.جم: اول شخص جمع؛ ۲.جم: دوم شخص جمع؛ ۳.جم: سوم شخص جمع)

ص: صفت

ص ف: صفت فاعلی

ص م: صفت مفعولی

ض ا: ضمیر اشاره

ض ب: ضمیر بازتابی/انعکاسی

ض ش: ضمیر شخصی

ض مب: ضمیر مبهم

ض مل: ضمیر ملکی

ض مو: موصول / ضمیر موصولی

ع: عدد

ع ت: عدد ترتیبی

ف: فعل

ق: قید

مص: مصدر

(مف): مفرد (۱. مف: اول شخص مفرد؛ ۲. مف: دوم شخص مفرد؛ ۳. مف: سوم شخص

مفرد)

نش: نام شخص، نام انسان

www.ketab.ir

نشانه‌ها

- ← نگاه کنید به.
- / یا.
- > دهانه باز این نشانه به‌سوی واژه‌ای است که صورت اصلی، کهن‌تر یا ریشه را نشان می‌دهد. این نشانه به صورت < نیز می‌آید.
- <> آنچه درون آن می‌آید افزوده‌ای است، برای روشن‌تر شدن ترجمه، که در متن اصلی نبوده است.
- <> آنچه درون آن می‌آید در متن اصلی بوده و، برای روشن‌تر شدن ترجمه، در ترجمه حذف شده است.
- () آنچه درون آن می‌آید برای روشن‌گری و توضیحات بیش‌تر است؛ نیز کوتاه‌نوشت متن‌ها و ارجاع به منابع، درون آن می‌آید؛ در مورد واژه‌ها، هر واژه، با یا بدون آنچه درون آن می‌آید، درست است.
- (=) مساوی با/یعنی.
- [] در بخش حرف‌نویسی و یادداشت‌ها، آنچه درون آن می‌آید ناخوانا بوده و بازسازی شده است؛ در بخش دستور و یادداشت‌ها، بخشی از ترجمه شاهد یا واژه/ عبارت مورد بحث که درون آن می‌آید در حرف‌نویسی و آوانویسی‌اش نیامده، اما در متن اصلی بوده است.^۱
- '' آنچه درون آن می‌آید نیمه‌خوانا بوده و بازسازی شده است.
- [X] هر X درون [] تقریباً برابر است با فضایی به اندازه یک نشانه میخی ناخوانا که بازسازی نشده است.
- نشانه نقل قول، نقل شاهد زبانی و نام خاص.

۱. توجه شود که این نشانه، در بخش یادداشت‌ها، دو کاربرد دارد: ۱. نشان‌دهنده قسمت ناخوانای واژه/ عبارت مورد بحث است، که در حرف‌نویسی‌اش هم درون [] آمده است. ۲. قسمتی از ترجمه که جزء عبارت مورد بحث و حرف‌نویسی یا آوانویسی داده‌شده در یادداشت نیست، اما در متن اصلی بوده و برای روشن شدن مطلب به ترجمه عبارت مورد بحث افزوده شده است.

- “ نشانه نقل قول در نقل قول و نقل قول درون n.
- * صورت بازسازی شده یک واژه یا جمله بنابر اصول زبان شناسی تاریخی.
- + نشانه میخی تصحیح شده.
- (؟) و ؟ نشانه تردید.
- ~ واژه هایی که در دو سوی آن قرار می گیرد صورت های املائی متفاوت واژه واحدی را نشان می دهد.

یادمان بیستون، پیشینه پژوهش و روش کار

جغرافیای کوه بیستون

در غرب ایران امروزی، در منطقه کرمانشان (= استان کرمانشاه)^۱، بر سر راه امروزی شهر هرسین به شهر کرمانشاه و در منطقه‌ای موسوم به «بیستون»^۲، کوهی بلند به همین نام، چون دیواری راست ایستاده سر به آسمان می‌ساید. بیستون بخش پایانی کوه «پژاو» Paḡāw از رشته‌کوه‌های زاگرس است و در باورهای عامیانه ایرانیان، بیش از هر چیز با داستان «شیرین و فرهاد» یا «خسرو و شیرین» پیوسته است^۳ و بدین واسطه نامی است. این کوه و محوطه‌های اطراف آن آراسته به یادمان‌های کهن بسیار، از پیش از تاریخ تا روزگار ساسانی است^۴ (در این مورد ← Lushey 1990). در این میان، یادمان بیستون از داریوش بزرگ از همه نامی‌تر است.

کوه بیستون

کوه بیستون، چنان‌که از صورت باستانی آن «OP. *Bagastāna: بغستان (= جایگاه خدا(یان))»، بنابر گزارش‌های یونانی «Bagistanon (óros): (کوه) بغستان»

۱. برای درستی نام بومی «کرمانشان» و تبدیل آن به «کرمانشاه»، بنابر ریشه‌شناسی عامیانه، در فارسی معیار ← مکرری ۱۳۶۱: نه - سیزده.

۲. Bēsetīn در زبان بومیان لک و کرد زبان و Bīs(o)tūn در فارسی معیار.

۳. نام «فرهاد تراش» (لکی و کردی: Farāy.tāš) (ممکن است tāš نه به معنی «تراش» که به معنی «دیواره و صخره» باشد) و تصویری از شیرین، که بومیان در چشم‌انداز شرقی کوه بیستون می‌بینند، یادگار همین داستان است که هم‌چنان در سراسر غرب و جنوب ایران زنده است و باز روایت می‌شود.

۴. شیخ علی خان زنگنه نیز کتیبه وقفی خود را بر پایه همین کوه، و شور یخخانه درست روی نگاره‌ای پارسی، نگاشته است.

آگاه ایم، جایی مقدس در دوره باستان بوده است. این نام را جغرافی دانان دوره اسلامی، مانند ابن حوقل، اصطخری و یاقوت، به صورت «بهستون» (بنابر ریشه‌شناسی عامیانه: به + ستون = دارای ستون‌های) نیک) ضبط کرده‌اند و صورت امروزی «بیستون» (بنابر ریشه‌شناسی عامیانه: بی + ستون = بدون ستون)^۱ نیز در آثار برخی از نویسندگان دوره اسلامی، مانند یاقوت، اصطخری و مقدسی (Schmitt 1990b: 289-290) و در شعر فارسی^۲، به‌ویژه در پیوند با داستان شیرین و فرهاد، به‌کار رفته است.

نگاره/نقش برجسته‌های بیستون

یادمان بیستون بر پیکره کوه بیستون، در بالای یک فرورفتگی تنگه‌مانند و در ارتفاع ۶۶ متری نگاشته شده است. نگاره‌های بیستون (با حدود ۳ متر بلندا و ۵.۵ متر پهنا) که بومیان آن را «نُه درویش» می‌خوانند (Schmitt 1990b: 289-290)، احتمالاً متأثر از نگاره‌های «آنبینینی» (حدود ۲۰۰۰ ق.م)، فرمانروای قبایل «لُلبی» (Lullubi)، در سریل ذهاب نقش شده است. کار نگاره‌ها پس از درم شکستن «پراده» (OP. Frāda) (DB 38) در سال ۵۲۰ ق.م آغاز شده است و شاید جایی که برای آن برگزیده شده است، یعنی منطقه بیستون، همان‌جایی باشد که داریوش بر «گوماته مغ» پیروز می‌شود (Schmitt 1990c: ۱).

۱. صورت بیستون، در برخی از گویش‌های فارسی که تبدیل /ān/ به /ūn/ معمول بوده است، می‌توانسته نتیجه یک روند آوایی طبیعی OP. *Bagastāna > MP. *Bayistān > NP. *Bīstān > Bīs(o) باشد. اما چنین تبدیلی (/ān/ > /ūn/) در زبان بومیان منطقه بیستون و اطراف آن، یعنی لکی و کردی، معمول نیست، در حالی که در آن‌جا نیز تلفظ Bēsetūn معمول است و نه *Bēsetān. این صورت می‌باید متأثر از ریشه‌شناسی عامیانه «بی+ستون» باشد (چنان‌که همین ریشه‌شناسی را از زبان مردم منطقه می‌توان شنید). صورت Bīsetūn که در لری معمول است اثر ریشه‌شناسی عامیانه را در تغییر تلفظ این نام روشن‌تر می‌کند (قس: setūn «ستون» در لری). از این‌رو در فارسی نیز محتمل‌تر است که صورت بیستون نتیجه چنین ریشه‌شناسی عامیانه‌ای باشد تا تعمیم یافتن یک صورت گویشی.

۲. مثلاً فردوسی در «رستم و اسفندیار» می‌فرماید:

به بالا ز رستم همی رفت خون // بشد سست و لرزان که بیستون (شاهنامه ۱۳۸۶: دفتر پنجم: ۳۸۸ بیت ۱۱۳۸).

و نظامی در خسرو و شیرین آورده است که:

به‌خنده گفت با یاران، دل‌افروز // علم بر بیستون خواهم زد امروز

بینم کامنین بازوی فرهاد // چگونه سنگ می‌بُزد به‌پولاد (خسرو و شیرین ۱۳۷۸: ۲۴۹ بیت: ۱۵-۱۶).

و سعدی در غزلی می‌گوید:

فرهادوارم از لب شیرین گزیر نیست // و در کوه محتم به مثل بیستون شود (کلیات سعدی ۱۳۸۵: ۶۸۸ غزل ۳۰۰).

299). نگاره داریوش آشکارا بزرگ‌تر از دیگر کسان است. یک کمان‌دار و یک نیزه‌دار پشت سر او نقش شده است که «گویره» (OP. Gaubaruva) و «ارته‌پرنا» (OP. *Rta.farnā)^۱ (Luschey 1990: 292) هم‌پیمانان داریوش اند و پیش او نه شاه دروغین، دست‌بسته و پیوسته به هم با ریسمانی در گردن، رده شده اند. زیر پای داریوش نگاره گوماته مغ است که نگون‌سار و دست‌بسته به خاک افتاده است (← DBb). بر فراز ایشان نگاره آهوره‌مзда، که بارها به نام او در کتیبه اشاره می‌شود، قرار دارد که به شکل انسانی ریش‌وموی‌انبوه، ایستاده در حلقه‌ای بالدار تصویر شده است^۲ (Luschey 1990: 292). برای بحث‌های جزئی‌تر در مورد نگاره‌ها ← Luschey 1968.

کتیبه بیستون

کتیبه بیستون با سه تحریر به خط میخی و زبان ایلامی، خط میخی و زبان بابلی و خط میخی و زبان فارسی باستان، در فضایی به بلندای ۷٫۸۰ متر و پهنای ۲۲ متر، نوشته شده است.

تحریر ایلامی دوبار نوشته شده بوده است: تحریر نخست ایلامی، که در همان زمان ساخت یادمان بیستون، قسمتی از ستون نخست آن سترده شده و تنها چند واژه^۳ (← تصویر ۱) از تمام آن خوانا مانده است، در سوی راست نگاره‌ها، در چهار ستون و ۳۲۳ سطر بوده است (Schmitt 1990c: 301). تحریر دوم ایلامی، که در این پژوهش بررسی می‌شود، در زیر تحریر بابلی و سوی

۱. این تلفظ ایلامی در صورتی چنین خواهد بود که ریشه‌شناسی لوکوک (1986) را بپذیریم.

۲. بحث در کبستی نشان هخامنشی «انسان/حلقه بالدار»، که بالای نگاره‌های بیستون نیز نقش شده است، مناقشه‌برانگیز بوده است؛ مثلاً برای نقد شاپورشیبازی بر نظری که آن را نشانه «فرزهر» و نظری که آن را نشانه «آهوره‌مзда» می‌داند ← Shahbazi 1974 و برای نظر وی در نماد «قره» دانستن آن ← Shahbazi 1980 و برای رد نظر شاپورشیبازی و دفاع از نظر پیشین، در نشانه «آهوره‌مзда» دانستن این نشان ← Lecoq 1984: 311-320.

۳. این قسمت در سه سطر و درست زیر پای نگاره واپسین شاه دروغین، «اشکنکه» (OP. Skumxa) سکه‌ای، قرار دارد و بخش‌هایی از چند نشانه در سطر نخست و چند واژه، در دو سطر بعدی آن، هنوز خوانا است. این قسمت را، که شرح شورش بابلیان است، تریس (1855: Pt VIII, 60) برابر سطرهای ۶۱-۶۳ از ستون نخست تحریر دوم ایلامی (تحریر موجود) دانسته است، کینگ و تامسن (1907: xiii, 151) به اشتباه احتمال داده اند شرح رخدادهایی بوده باشد که در ستون پنجم تحریر فارسی باستان آمده است و وایسباخ (1911: XIII) آن را برابر سطرهای ۶۲-۶۴ از ستون نخست تحریر دوم ایلامی می‌داند و به درستی بی‌می‌برد که بازمانده تحریری قدیم‌تر است.

چپ تحریر فارسی باستان، در سه ستون و به ترتیب با ۸۱ و ۸۵ و ۹۴ (در کل ۲۶۰) سطر نگاشته شده است. واپسین بند تحریر ایلامی دوم (DBL/بند هفتاد، در ۱۰ سطر) جداگانه بالای نگاره داریوش نگاشته شده است.^۱



تصویر ۱: قسمت خوانامانده از تحریر نخست ایلامی (بنابر فوتوگرامتری ذوالفقاری)

تحریر بابلی، در سطحی مانند یک شیروانی عمود با زاویه کند، در سوی چپ نگاره‌ها و تنها در یک ستون پهن ۱۱۲ سطری نگاشته شده است. این تحریر فاقد بند هفتاد است.

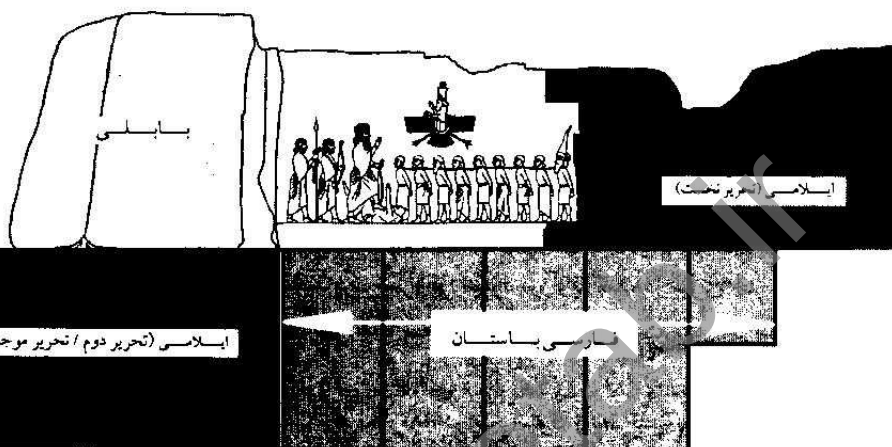
تحریر فارسی باستان درست زیر نگاره‌ها، در پنج ستون و به ترتیب با ۹۸، ۹۲، ۹۲ و ۳۶ (در کل ۴۱۴) سطر، نگاشته شده است. ستون پنجم این تحریر، که شرح سرکوب شورش‌های سال دوم و سوم فرمانروایی داریوش (به گفته خود کتیبه) است، برابر ایلامی و بابلی ندارد (← تصویر ۲).

در بند هفتاد تحریر ایلامی و فارسی باستان اشاره شده است که کتیبه هم بر لوحه و هم بر چرم نوشته و میان سرزمین‌ها/مردم فرستاده شده است. پاره‌هایی از دو تحریر آرامی بر پاپیروس، در الفانتین مصر، و تکه‌هایی از یک تحریر بابلی، در بابل، به دست آمده است که این سخن را تأیید می‌کند. شکسته تحریر بابلی مذکور بسیار محدود است و بیش از چند سطر نیست (← von Voigtlander 1978: 63-68)، اما تحریر آرامی بسیاری از قسمت‌های بیستون را پوشش می‌دهد و اندرزهایی از داریوش نیز بدان افزوده شده است که برابر با واپسین بخش کتیبه داریوش در نقش رستم (DNb 50-60) است (← پنجاه و پنج)^۲. تحریر آرامی موجود می‌باید در نخستین سال‌های پادشاهی داریوش دوم (حدود ۴۲۱ ق‌م) نوشته شده باشد و

۱. DBL را «ستون چهارم» نیز خوانده‌اند. اما از آن‌جا که خرده‌کتیبه‌ای مستقل است و هرگز یک «ستون» نیست، عنوان نوتر DBL یا «بند هفتاد» (در مقایسه با برابر آن در تحریر فارسی باستان) ترجیح داده شد.

۲. شماره‌های این چنینی، که بدان ارجاع داده می‌شود، مربوط به بخش «یادداشت‌ها» است و به ترتیب شماره بند و یادداشت را نشان می‌دهد.

هرچند بسیار به تحریر بابلی نزدیک است، نزدیکی بیش‌تر با شکسته‌تحریر بابلی مذکور دارد (Greenfield & Porten 1982: 1, 3-4; Tavernier 2001: 161).



تصویر ۲: جایگاه تحریرهای کتیبه بیستون (بنابر Vallat 2011: 269)

خرده‌کتیبه‌ها

به جز متن اصلی کتیبه، یازده خرده‌کتیبه (DBa-k) نیز نگاشته شده است که نگاره‌ها را معرفی می‌کنند. DBa که بلندتر از دیگر خرده‌کتیبه‌هاست، داریوش و تبار او را معرفی می‌کند. DBb گومانه مغ و DBc-k نه شاه دروغین را معرفی می‌کنند. این‌ها تا حد امکان نزدیک به نگاره مربوط نگاشته شده‌اند.

DBb ایلامی زیر نگاره گومانه مغ است و از DBc ایلامی (هرکدام در ۳ تا ۸ سطر بسیار کوتاه) دقیقاً بالای سر نگاره مربوط‌اند.

DBb بابلی (هرکدام در ۳ یا ۴ سطر بسیار کوتاه) همگی زیر نگاره مربوط قرار دارند و DBb بابلی زیر تحریر ایلامی آن است. تحریر بابلی فاقد DBa و DBk است. تحریرهای فارسی باستان خرده‌کتیبه‌ها (هرکدام در ۶ تا ۱۲ سطر بسیار کوتاه) بالای تحریر ایلامی خود قرار گرفته‌اند، مگر DBe، که چون نماد آهوره‌مردا فضای بالای تحریر ایلامی‌اش را پر کرده بوده است، بر دامن نگاره مربوط و DBb که زیر پای داریوش نگاشته شده است.